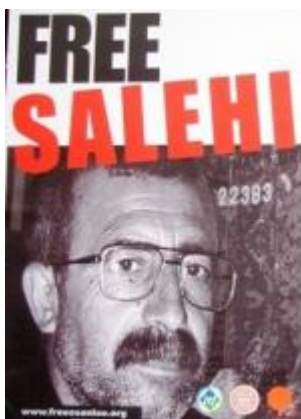


زنده باد محمود صالحی

ستیز طبقاتی نشان از دو گونه تولید، دو گونه توزیع، و دو گونه منافع در تقابل با هم در تاریخ بوده که تنها با لغو گونه های تولید و توزیع مبتنی بر منافع ناعادلانه است که طبقات و تقابل منافع طبقات ناپدید خواهد شد. به سطح آمدن چند باره مبارزات مداوم طبقات تحت بهره کشی نظام سرمایه داری و شکل گرفتن مبارزات کارگری و تعرض به این نظام که عامل اصلی استثمار است موید تقابل و ستیز آشتی ناپذیر و مخالفت صددرصدی با هرگونه هارمونی طبقات میباشد. در ایران نیز میتوان نمود عینی مدافعان و مخالفان این دو رویکرد را در تشکلات گوناگون طبقات مشاهده کرد. خانه های کارگر و حتی تحت نام آزاد و

انجمنهای صنفی و شورایی و سندیکاها و فرمهای دیگر نهادهای صددرصد وابسته به نظام سرمایه داری ارتجاعی، نه تنها در ایجاد پیشگیری از برخورد و تضاد منافع کار و سرمایه موثر نیافتاد و هارمونی طبقات در جهت حفظ درآمدهای بانکی سرمایه داران و صاحبان سهام کمپانیها را موجد نشده بلکه با در نظر گرفتن روند رو به تزايد حرکتی اعتراضی و تحسینهای کارگری در ایران و جهان و افزون بر آن تلاطمات سیاسی منطقه و حتی تنشهای سیاسی تند در داخل ایران نیز نه تنها در پایین آوردن خواستها و عقب نشینی این طبقه تاریخی" استثمار شده، موثر نیافتاد، حتی آنگونه که از اعتراضات و خواستها و خصوصاً" میل جنبشهای اعتراضی عموماً" و در راس آن جنبش کارگری به اتحاد طبقاتی، میشود نتیجه گرفت که رشد آگاهی سوسیالیستی و طبقاتی را به دنبال داشته است و جنبش کارگری به کانون توجه جنبشهای دیگر و پشتوانه اصلی و پیداکردن آن جایگاه واقعی و طبقاتی خویش در درون پیکار با سرمایه داری بدل گشته است.

خواست تشکل آزاد و مستقل کارگری تنها از این زاویه مسرت بخش نیست که تبارز عینی سطح آگاهی سوسیالیستی طبقه کارگر، در راس جنبشهای اجتماعی و معترض است بلکه نشان از رویگردانی و میل طبقه کارگر به گسست کامل از نظام سرمایه داری و با تمام جوانب این نظام است. بدهی است که این امر مهم نیز خارج از شناخت سران رژیم حاکم بر ایران نبوده و به همین دلیل بر سرعت خود در جهت سرکوب و دستگیریهای پی در پی کارگران و خصوصاً" رهبران عملی این طبقه افزوده است. دستگیری و زندانی کردن اعضای سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه و سرکوب اعتراضات کارگری و همچنین دستگیری و سرکوب رهبران کارگری در کردستان و در این مورد آخر دستگیری محمود صالحی چهره سرشناس و شناخته شده و رهبر عملی طبقه کارگر در سقز توسط نیروهای رژیم برای نیل به این اهداف و در همین راستا بوده است. به میدان آمدن طبقه کارگر در سراسر ایران در اول ماه مه و اعلام تعطیلی عمومی در این روز توازن قوا را آنطور که هست به بورژوازی و دولت‌های حامی آن در سراسر جهان نشان خواهد داد. و در ایران آن شبی که لیبرالها در داخل به درستی تشخیص داده اند را به منصفه ظهور خواهد گذاشت. همبستگی طبقاتی کارگران و سایر جنبشهای اجتماعی در ایران یک نه بزرگ به یک جناح یا

کل رژیم که مخالفت با آن مبتنی بر اصلاحات باشد نیست بلکه نه طبقه کارگر نه به استثمار و نه به بهره کشی و نه به کلیت نظام سرمایه داری و گام نهادن در راه ایجاد نظامی عادلانه میباشد که مویذ این مدعا هم خواسته‌های رادیکال و سوسیالیستی کارگران زنان و دانشجویان و معلمان میباشد. علی رغم تلاشهای بورژوازی که با دستگاههای عظیم اطلاع رسانی به جنگ با طبقه کارگر به میدان آمده و در صدد آن است که با تحت پوشش قرار دادن اخبار مربوط به اختلافات درون حاکمیت رژیم و خصوصاً " غنی سازی اورانیوم و روند پرونده اتمی رژیم در سازمان ملل و همچنین ماجرای دستگیری ملوانان نیروی دریایی بریتانیا و جنجالیهای تبلیغاتی مربوطه و بزرگنمایی آنها همه و همه در جهت به انزوان کشان مبارزات و خواستههای واقعی طبقه کارگر میباشد، که تاکنون نتیجه معکوس داشته، به گونه ای که اخبار اعتراضات کارگری در راس مسائل سیاسی روز ایران و جهان قرار گرفته و حتی رسانه های بورژوازی را نیز در بر گرفته است. اما تداوم اعتراضات و رادیکالیزه شدن خواستههای طبقه کارگر با به میدان آوردن خواست تشکل آزاد و مستقل کارگری در برابر سایر آلترناتیوهای دیگر بورژوازی که برای به انحراف کشاندن خواست طبقه کارگر خلق شده بود بیش از پیش رژیم را هراسان کرده و اهمیت آن و، و میزان موفقیت و اطمینان از پیمودن راه درست از جانب کارگران را در دستگیریها و زندانی کردن و عکس العمل هیستریک طرف مقابل یعنی نیروهای حامی سرمایه با طبقه کارگر باید دید.

علاوه بر تحسناها ی روزانه کارگران برای به دست آوردن حقوقهای معوقه و بر ضد قراردادهای موقت و زیر پا گذاشتن حقوق کارگران در ایران، آنچه بر اهمیت این جنبش اعتراضی و سوسیالیست در این دوره می افزاید این است که افق و دورنمای طبقه کارگر برای گذارو تحول در جامعه به افق و دورنمای سایر حرکتها و جنبشهای اعتراضی و رادیکال در ایران بدل گشته است. نه به جنگ، نه به فقر، نه به امپریالیسم و دفاع از خواستههای برحق کارگران و سردادن ندای اتحاد طبقاتی با کارگران و خواست آزادی رهبران کارگری که اعتراض این اواخر دانشجویان بابلرس و مازندران و سایر دانشگاههای دیگر مصداق آن است، خبر از یک خودآگاهی سوسیالیستی که هنوز در ابتدای راه است را میدهد. در اول ماه مه که روز هویت طبقاتی، طبقه کارگر است تمام کسانی که این افق و دورنمای چپ و سوسیالیستی را به نقطه عزیمت مبارزه خود برای جهانی دیگر میپندارند و جهت تحول عظیم اجتماعی به این راه مینگرند، با به میدان آمدن و برگزاری هر چه باشکوهتر این روز سرنوشت ساز، همصدا با کارگران جهان، اینبار با یک صف متحد طبقاتی و پر قدرت خواستههای خود را در مقابل بورژوازی و دولتهای حامی آن فریاد بزنند. باید بر روی این مسئله برای چندمین بار صحه گذاشت که راه تغییر ریشه ای و عظیم در جامعه از کوره راه ناسیونالیسم و مذهب و راهبردهای نقابداران امپریالیسم، نخواهد گذشت و این طبقه کارگرمتکی به نیروی خویش است که در راه این تحول عظیم در جامعه جز زنجیرهای دست و پایش چیزی برای از دست دادن ندارند. در پایان باید این مسئله را از یاد نبریم که دفاع همه جانبه از رهبران جنبش کارگری به مثابه دفاع از این خواستههای انسانی است. محمود صالحی و تمام دستگیرشدگان کارگری تحت این خفقان و سرکوب در داخل، این خطرات را جهت پیشبرد خواست طبقه کارگر به جان میخرند. در اول ماه مه شعار آزادی محمود صالحی و آزادی دستگیرشدگان کارگری در سراسر ایران را به خواستههای دیگر طبقه کارگر اضافه و در صدر خواسته قرار دهیم.